گردنه گیری انتخاباتی

رامین کامران



به مناسبت انتخابات اخیر ریاست جمهوری اسلامی شاهد پدیدۀ جدیدی شدیم که نمی توان به آن نامی جز گردنه گیری انتخاباتی داد. عده ای که بیشتر از سه گروه شناخته شدۀ اپوزیسیون، پهلوی طالبان و مجاهدین و حزب کمونیست کارگری بودند، با تجمع در برابر مراکز رأی گیری در خارج از کشور، پا را از اعتراض های معمول که تا به حال به ابراز مخالفت و بر حذر داشتن مردم از رأی گیری، محدود بود، جلوتر گذاشتند و به تعرض زبانی و جسمی به رأی دهندگان پرداختند و بعد هم عکس هایی را که ظاهراً از این افراد گرفته بودند، همراه با انواع ناسزا، در رسانه های اجتماعی به نمایش نهادند. متأسفانه، دل پری هم که مردم از رژیم دارند باعث شد تا جای جای با این کار ها همدلی نشان بدهند.

این نوع پرخاشجویی بی سابقه بود و معلوم هم بود که امسال با برنامه ریزی انجام و به طور یکدست در نقاط مختلف دنیا به اجرا گذاشته شده است. نمی دانم این برنامۀ مفتضح از ذهن کدام نابغه ای تتق زده بود، ولی جستن منبعش چندان مهم نیست – چون قرار نیست به او جایزه بدهیم – ارزیابی نتایج آن است که مهم است.

اگر مقصود از این حرکات باز داشتن مردم از رأی دادن بود که نتیجه نداد. همین مزاحمتی بود که برای عده ای ایجاد شد، چون نشنیدیم که کسی با این کار ها از رأی دادن منصرف شده باشد و از دخول به مراکز رأی گیری خودداری کرده باشد. به عبارت ساده، تأثیر عملی کار برای پایین آوردن مشارکت چیزی بود در حد صفر. عدم مشارکتی که مهم بود و خبرش به همه جا رسید و می تواند در آینده سرنوشت ساز باشد، آنی بود که در خود ایران واقع شد و نه فقط به دور از این ادا ها، به رغم انواع تشویق و حتی تهدید رژیم هم واقع گردید. میلیونها نفری که رأی ندادند و انتخابات رژیم را از رونق انداختند، در خود ایران بودند و از این رفتار های زننده به دور. انتخابشان آزاد بود و ارزشش در همین. اجباری نبودن رأی دهی در جمهوری اسلامی، فضای آزادی فراهم می

آورد که از آن استفاده جستند. اگر هم چنین مجالی نمی بود، تعداد آرای باطله بود که بالا می رفت، چون باید آنها را هم سر عدم مشارکت حساب کرد. قبح عدم مشارکت اجباری کمتر از مشارکت اجباری نیست.

پیامد اصلی کارزار فحاشی این بود که نشان داد بخشی از مدعیان مبارزه با نظام اسلامی، بخشی که بسیار هم پر سر و صداست، در حقیقت برای انتخاب آزاد مردم همانقدر اعتبار قائل است و حاضر است تا بدان میدان بدهد که خود رژیم. خشونت برای وادار کردن مردم به رفتار مورد نظر شما، درست همان کاریست که رژیم می کند و ادعای مبارزه با آن از این طریق، حرفیست بی معنا. البته کسی از سه گروهی که اسم بردم، توقع رفتار آزادیخواهانه ندارد و همین ترتیب رفتار را برازند آنها میداند که دیدیم.

در مقابل، اپوزیسیون جدی، باید از این ترتیب عمل تبری بجوید تا مردم جدیش بگیرند و قابل اعتمادش بشمرند. به چندین دلیل که سه تایش را می شمارم. اول از همه نمی توان در عین آزادیخواهی، آزادی مردم را از همین جا محدود نمود، آنهم با ارعاب ـ مردم به این کار ها می خندند. دوم اینکه معنای شرکت در انتخابات فقط پشتیبانی از رژیم نیست ـ نمونه اش آرای باطله. پس اجبار کردن مردم به رأی ندادن، نه مبنای سیاسی دارد و نه مبنای منطقی. سوم اینکه براندازی با جذب مردم ممکن می گردد نه رماندنشان و هیچ چیز به انداز زورگویی روی مردم تأثیر منفی نمی گذارد. می گویید نه؟ از جمهوری اسلامی بپرسید.

استفاده از خشونت در حق مردم را باید به رژیم واگذاشت که حتماً هم بهتر از ما از عهده اش بر می آید و با این رفتارش، خواه ناخواه همه را کیش می کند طرف ما. اگر خشونتی از سوی ما صادر شود، نظام را باید هدف بگیرد نه مردم را. به مردم زور نمی باید و در نهایت نمی توان گفت، به رژیم چرا و به این رژیم میباید. قرار است که ما ملت را از نظام دور کنیم، نه افراد ملت را از هم. شرط پیروزی انقلابی که براندازیش می نامیم، وحدت ملت است و هر کس ملت را به سوی تفرقه سوق دهد، چه طبقاتی، چه قومی، چه انتخاباتی و… به فکر مردم ایران نیست، دنبال راه انداختن جنگ داخلیست. دول خارجی که انواع ابراز خشونت، از جمله همین یکی را در ایران تشویق می کنند، فروپاشی کشور را خواهانند نه آزادی مردمش را.

این را هم مزید اطلاع زورآوران یادآوری کنم که اگر جنگ داخلی واقع شود، بخت پیروزی نظام بسیار بیشتر از ما خواهد بود.

رامین کامران

۲۱ ژوئن ۲۰۲۱، ۳۱ خرداد ۱۴۰۰

برگرفته از ایران لیبرال